



بسم الله الرحمن الرحيم

اساس این جلسه برای این است که من از برادران و خواهران عزیز قلباً تشکر کنم و به خاطر خدماتتان و زحماتی که کشیدید و تلاشهایی که انجام دادید، چه از شخص جناب آقای خاتمی و چه از شما دوستان، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

مطمئنأ هر کاری که در خدمت به این مردم و این ملت خوب از شما دوستان عزیز در دوران دشوار مأموریتتان صادر شده، پیش خدای متعال محفوظ است. هیچ لحظه یی از لحظات کار شما و رنجی که بردید و همتی که به کار بستید و اقدامی که کردید، از نگاه تیزبین کرام الکاتبین و از حیطة یی علم پروردگار خارج نیست. خود شماها یقینأ زحماتی که کشیدید، یادتان نمی ماند؛ بسیاری از زحمات و تلاشها هم هست که اصلاً امکان ندارد غیر از خود انسان، کسی آنها را بفهمد. حرصی که انسان برای کار می خورد، تلاشی که انسان در ذهن خودش برای خوب انجام دادن یک کار به کار می برد، همتی که می کند، نیتی که می کند، کسی غیر از خود انسان کسی نمی فهمد. وقتی مردم نفهمیدند و غیر از خود انسان کسی نفهمید، تشکری هم دنبالش نیست؛ اما خدای متعال همه یی اینها را می داند؛ همه یی این لحظات کار را، لحظات دشوار را، آن نیت ها را، آن همت ها را خدای متعال می فهمد و یکایک اینها هم پیش خدا پاداش دارد؛ به این نکته توجه دارید و توجه داشته باشید. انسان روزی چشمش به پاداش الهی روشن می شود که احساس نیاز می کند.

ما با همه یی وجود باید خدای متعال را شکر بگوییم که میدان جدیدی برای عبادت در پیش روی ماها قرار داد. خدمت به مردم، آن هم در ابعاد یک دولت، با محدوده یی وسیعی که دارد، چیز مهمی است؛ که وقتی با نیت خالص و برای خدا انجام می گیرد، با هیچ عبادتی واقعاً قابل مقایسه نیست. این را خدای متعال در اختیار ما گذاشته، ما را به کار گرفته و این توفیق را داده که بتوانیم به قدر قوا و نیرویمان در راه اجرای اوامر او و در راه خدمت به خلق او تلاش و کار کنیم. شما سالهایی را در این میدان گذرانیدید و خدا را شاکر باشید.

البته دوران مسؤولیت، تلخی ها و شیرینی هایی دارد. انسان کاری را انجام می دهد و موفق می شود خدمتی را که دوست می دارد انجام بگیرد، او متصدی و مباشر باشد و انجام دهد. لذتی که انسان از انجام دادن این کار می برد، قابل مقایسه با هیچ لذت دیگری نیست؛ چون پیشرفت کار را به چشم خودش می بیند. هیچ شیرینی یی بالاتر از این نیست که انسان ببیند این کار را انجام داد و به نتیجه رساند. تشکر و قدردانی مردم را مشاهده می کند؛ توفیقات الهی را در حق خودش لمس می کند؛ اینها شیرینی های کار و خدمت است. البته تلخی هایی هم هست؛ گاهی انسان می خواهد کاری را انجام دهد، ولی نمی تواند انجام بدهد؛ مانعی در راه پیش می آید؛ با یک ناسپاسی مواجه می شود. این تلخی ها را انسان باید به حساب خدا بگذارد و برای تحمل این سختی ها و تلخی ها هم منتظر اجر و پاداش الهی باشد.

البته ما همیشه باید در ناکامی ها در درجه یی اول خود را مخاطب قرار دهیم. قرآن می فرماید: «ما اصابک من حسنة فمن الله و ما اصابک من سيئة فمن نفسك». ما در درجه یی اول باید خود را در همه یی چیزهایی که به نظرمان ناکامی و بی توفیقی می آید، مخاطب قرار دهیم؛ ولی به هر حال شکر الهی را با این همراه کنیم و اجر الهی را برای کاری که به خاطر او انجام می گیرد، مسلم بدانیم. بنابراین من به سهم خودم - آن مقداری که شاهد تلاشهای شما بودم - از شما تشکر می کنم. در سالهای گذشته من شاهد تلاش پُرحجم و جدي جناب آقای خاتمی و شما برادران و خواهران در همه یی زمینه ها بودم؛ این چیزی است که ما باید آن را نعمت بزرگی از نعم الهی بدانیم. شما در این مدت کار سخت و تلاش متراکمی را انجام دادید و بحمدالله به توفیقات زیادی هم رسیدید. امروز، هم در زمینه یی صنعت، هم در زمینه یی کشاورزی، هم در زمینه یی علم و فناوری، هم در زمینه های گوناگون خدمات، ما پیشرفت های بسیار چشمگیر و زیادی داریم؛ اینها برای این کشور و این ملت خواهد ماند و از حافظه یی این ملت



زدوده نخواهد شد. همه ی شما برادران و خواهرانی که در این کارها سهیم یا مؤثر یا مؤسس بودید، یقیناً در اجر و پاداش این تلاشها سهیم هستید.

www.leader.ir

آنچه مهم است، این است که شما دوستان در پایان دولت، مأموریتتان تمام می شود؛ اما مسؤولیت های شما تمام نمی شود. انسان در محیط اسلامی هیچ گاه از مسؤولیت فارغ و خالی نیست؛ همیشه دارای مسؤولیت است؛ منتها مسؤولیت ها متفاوت است. یک وقت انسان وزیر است - که یک مسؤولیت دارد - یک وقت وزیر نیست؛ اما مجموعه یی از تجربه های فراوان وجود دارد. تجربه های باارزشی که در طول سالهای متمادی در یکایک شماها به وجود آمده و جمع شده، دستاورد کمی نیست؛ اینها متعلق به این کشور و این ملت و این نظام است؛ از این تجربه ها باید استفاده شود.

همان طور که جناب آقای خاتمی اشاره کردند، این یکی از افتخارات ماست که دست به دست شدن قدرت اجرایی در بهترین شکل و با شیرین ترین وضع در کشور ما انجام می گیرد؛ این را انقلاب به ما بخشید؛ این را اسلام به ما داد؛ این را احساس مسؤولیتی که ناشی از تفکر اسلامی و نگاه اسلامی به انسان و تعهد و مسؤولیت انسان است، به ما ارزانی داشته است.

در این میدان کار و تلاش، جمعی می آیند و در فرصت معینی زحمتشان را می کشند، عرق می ریزند و شب و روز تلاش می کنند؛ بعد اینها از صحنه خارج می شوند و کسان دیگری جای آنها می آیند؛ کار را از آنها تحویل می گیرند و بر اساس پیشرفت ها و توفیقات آنها کار را ادامه می دهند. کار و مسؤولیت باید بر همین اساس باشد؛ یعنی باید از توفیقات، تجربیات و پیشرفت های هر مجموعه یی که کار و خدمتی را انجام می دهند، بعدی ها بهره ببرند و روی بنای آنها ادامه ی خدمت دهند. ما حدّ یقف نداریم؛ یعنی این طور نیست که اگر فرض کنیم ما توانستیم مسأله ی اشتغال را به طور کامل حل کنیم، حرکت ملت ما و کشور ما دیگر به نهایتش رسیده؛ نه، تازه شروع می شود. ما در پیشرفت خود حدّ یقف و منتهیالیهی نداریم. ملت ما، ملت بزرگی است. کشور ما، کشور ثروتمندی است. تاریخ ما، تاریخ پُرافتخاری است. انتظار از این ملت، از این تاریخ و از این کشور، انتظار زیادی است. بر اثر فشار استبداد و دخالت بیگانگان و ناتوانی و بی عرضگی بسیاری از حکومت های قبل از انقلاب در این کشور، ما چند قرن عقب افتادگی داریم؛ این عقب ماندگی ها را باید با سرعت جبران کنیم. ما هرگز آن ملتی نبودیم و نباید باشیم که قدرتهای سیاسی یی در دنیا به اتکاء علم و پیشرفت فناوری شان بتوانند در میدان هایی که به آنها مربوط نیست، به ملت ما زور بگویند و ما ناگزیر باشیم زور آنها را بپذیریم. ما باید ملتی باشیم روی پای خودمان و متکی به قدرت خودمان؛ در جایگاهی که به معنای واقعی کلمه، شایسته یی ملت ایران است. این، کار و تلاش لازم دارد؛ این چیزی نیست که روزی متوقف شود. هر کدام از ماها که روی صحنه یی این کار و آزمون بزرگ خدمت به ملت می آییم، برهه یی از عمر خود را کار و تلاش می کنیم؛ به قدر توان و همت خود خدمت می کنیم و کمکی می رسانیم و این گردونه را به پیش می بریم؛ بعد هم دیگری می آید و این راه را ادامه می دهد، و دیگری خواهند آمد. نسل جوانی که امروز در کشور ما دارد تربیت می شود، قابل مقایسه یی با دوره یی جوانی ما نیست؛ هوش و توانایی ها و امید و همتش خیلی بالاست؛ اینها مدیران بسیار خوبی برای آینده خواهند بود. ما باید کشور را برسانیم به دست مدیران جوانی که نسل به نسل و پی در پی از راه خواهند رسید تا این راه ان شاء الله ادامه پیدا کند. و این در کشور ما متکی است به جابه جایی نرم و آرام و همراه با محبت و برادری در مسؤولیت ها و مأموریت ها و در کسانی که این مأموریت ها را بر عهده می گیرند. این روحیه یی برادری را هم باید حفظ کنید.

بستر مردم سالاری اسلامی و حضور مردم را انقلاب به ما داد. ما باید روی این زمینه تکیه کنیم. البته از طرف کسانی سعی شده که بین جمهوریت نظام و اسلامیت، رقابتی به وجود بیاورند. یک جا بعضی ها بگویند روی اسلامیت تکیه شد، جمهوریت تضعیف شد؛ یک عده هم بگویند روی جمهوریت تکیه شد، اسلامیت تضعیف شد. این طوری نیست. در کشور ما جمهوریت از اسلامیت جدا نیست. این مردم، مؤمن و عمیقاً پایبند به مبانی دینی هستند. همیشه در انتخابات های ما این نشان داده می شود. در سال 76 هم همین طور بود؛ سال 80 هم همین طور بود؛ امسال هم که 1384 است، همین طور است. در انتخابات، مردم در حقیقت به پایه های اعتقادی خودشان و به آنچه



بر آن پایه ها مبتنی است، رأی می دهند. مردم عقاید خود را دوست می دارند و به این عقاید و مبانی پایبند هستند؛ و همین مبانی هم ما را پیش می برد. لذا جمهوریت - یعنی مردم سالاری به معنای واقعی کلمه - در این کشور همواره با اعتقاد به اسلام و حرکت در جهت اسلام همراه است و ان شاء الله بستر جریان مردم سالاری و پیشرفت و رشد این حالت و نهادینه شدن روحیات ناشی از مردم سالاری اسلامی روز به روز در کشور گسترش پیدا خواهد کرد. من این نکته را هم مورد تأکید قرار بدهم. همان طور که اشاره کردند، خوشبختانه دولت شما در ماه های آخر دچار رکود نشد - ما این را شاهد هستیم - تا روزهای آخر کار کردید؛ و این جای تشکر و قدردانی دارد. علاوه بر این که لازم است از زحمات شما در طول سالهای متمادی تشکر و قدردانی کنم، این را هم بخصوص لازم است بگویم و ذکر کنم که شما کار را ادامه دادید و پیش بردید. در روزهای آخر و هفته های آخر، کارهای خوبی در بخش های مختلف انجام گرفت که نشان دهنده ی زنده بودن دولت بود. امیدواریم همیشه همین طور باشد. اگر ما از قدرتی که در اختیار یک مسؤول قرار می گیریم، برای خدا و خدمت به مردم استفاده کنیم، این قدرت می شود نعمت؛ اما اگر برای اهداف شخصی از آن استفاده کنیم، همین قدرت می شود نعمت و مایه ی انحطاط و سقوط ارزش های انسانی در درون خود انسان؛ انعکاس اش هم در جامعه و در میان مردم ظاهر خواهد شد. قدرت، هدف نیست؛ وسیله یی است برای این که انسان بتواند به اهداف والا برسد. هر قدرتی در راه خدمت، ما را به این اهداف نزدیک می کند. لازم است از شخص جناب آقای خاتمی هم صمیمانه تشکر کنم. این را به شما دوستان بگویم، به خود ایشان هم شاید بارها گفته ام؛ در طول هشت سالی که ما با ایشان به طور مستمر و مداوم در ارتباط بودیم، رفاقت و صمیمیت ما با ایشان روزافزون بوده؛ خدا را شکر. الان پیوند عاطفی و محبت آمیزی که بین بنده و آقای خاتمی هست، از آنچه در هشت سال پیش بوده، بمراتب مستحکم تر است؛ و این ناشی از خصوصیتی است که من در این مدت در ایشان حس کردم. تدین و پایبندی و نجابت و روحیه ی نجیب ذاتی ایشان واقعاً جزو امتیازات و خصال برجسته در ایشان است. ایشان در این مدت تلاش متراکمی انجام دادند؛ ما شاهد بودیم و می دیدیم. در مقاطع زمانی مختلف، کشور و دولت و مسؤولان با حوادثی مواجه شدند، و ایشان در یکی از حساس ترین مراکز این مواجهه قرار داشتند و صبر و تحمل کردند؛ ان شاء الله خدای متعال اجر این صبر و تحمل را خواهد داد.

در میان خصوصیات ایشان، اگر من بخواهم روی یکی از آنها تکیه کنم، این است که ایشان در همه ی این مدت، دشمنانی را که کمین کرده و خیز برداشته بودند، ناامید کردند. خیلی ها از سال 76 - از اول تشکیل این دولت - می خواستند آقای خاتمی را در موضع مقابله و مواجهه یی با نظام قرار دهند؛ خیلی هم تلاش کردند؛ ما شاهد بودیم. البته ریشه و مبنا و سلسله جنبان این تلاشها در بیرون از این مرزهاست؛ منتها کسانی هم متأسفانه همان انگیزه های فاسد و پلید را در داخل انعکاس می دادند. خیلی تلاش کردند، اما آقای خاتمی حقیقتاً مقاومت کردند. آن روزی که ایشان اعلام کردند وقتی می گویم «جامعه ی مدنی»، مراد من مدینه النبی است - که اتفاقاً دیروز یا پریروز در یکی از صحبت های ایشان من این را خواندم - خیلی خلاف انتظار بعضی ها شد؛ لذا به ایشان حمله کردند و فشار آوردند.

اینها مواضع خیلی باارزشی است. ما که قصور داریم و دیدمان اینقدر کوتاه است، می فهمیم و می بینیم؛ کاتبان نامه ی اعمال ما - که مأموران الهی هستند - به طریق اولی می بینند؛ و خدای متعال هم که «من ورائهم محیط» است، همه چیز را می بیند. اینها پیش خدای متعال اجر دارد. ان شاء الله در آینده هم باید همین طور باشد. از تجربه و توان شماها باید استفاده شود. مسؤولان و کسانی که مأموریت هایی را بر عهده می گیرند، باید از محصول کار و از نظرات شما بهره ببرند و استفاده کنند. شما هم حقیقتاً خود را به معنای واقعی کلمه در اختیار نظام و متعلق به نظام بدانید. یک روز انسان در این نقطه مأموریتی را انجام می دهد؛ یک روز در این نقطه نیست و یک جای دیگر است. همان طور که عرض کردیم، مسؤولیت های دینی و انقلابی من و شما تمام نمی شود. ما هر جا باشیم، بالاخره یک عنصر مسلمان انقلابی هستیم و مسؤولیت هایی بر عهده داریم. امیدواریم ان شاء الله بتوانید این مسؤولیت را به بهترین وجه انجام دهید.

من همیشه در این مدت شماها را دعا کرده ام. آقای خاتمی را حداقل در هر شبانه روز یک بار دعا کرده ام؛ یعنی در



تمام این مدت شاید هیچ شب و روزی نبوده که من شخص ایشان را دعا نکنم. بقیه ی مسؤولان و دیگران را هم همیشه دعا کرده ام و باز هم دعا خواهم کرد. دعا کنیم که خدای متعال این کشور و این ملت و این نظام را روزبه_روز به اهداف خودش نزدیکتر کند و اقتداری را که شایسته ی این کشور و این ملت است، به او ارزانی بدارد ؛ و همین طور هم خواهد شد ؛ این را من تردید ندارم.

اگر ما این کشور را با ده سال پیش و بیست سال پیش مقایسه کنیم، خواهیم دید که پیشرفت های بسیار زیادی داشته ایم ؛ و این چیزی است که دشمنان این کشور و این نظام و این انقلاب نه توقع اش را داشتند و نه این را می پسندیدند ؛ هر چه هم از دستشان برآمده، انجام داده اند. الان هم ما را زیاد تهدید می کنند. اخم و روئرش کردن نسبت به ما از سوی قدرت طلبان و انحصارطلبان جهانی دایمی است و ما هم با تمام قدرت راه خود را به صورت پیوسته، با توکل به خدا و با امید به نیروی ذاتی این کشور ان شاءالله ادامه خواهیم داد و پیش خواهیم رفت ؛ من در این خصوص هیچ تردیدی ندارم.

چشم اندازها برای ما روشن است. در طول این مدت توطئه های دشمن یکی پس از دیگری خنثی شده است. دشمنان، توطئه های سیاسی و فرهنگی و فشارهای گوناگون سیاسی و اقتصادی داشتند ؛ اینها به برکت همت و تلاش شما و امثال شما خنثی شده است ؛ بعد از این هم به توفیق الهی همین طور خواهد بود. امیدواریم خدای متعال برای همه ی شما، همه ی ما و برای این کشور خیر مقدر بفرماید و توفیق دهد تا بتوانیم ان شاءالله وظایفمان را هر روز بهتر از گذشته انجام دهیم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته